



استمرار در سایه نگرانی

دکتر علیمردان شیبانی - مدیرعامل گروه صنعتی موکت همدان و عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران



ایی، با وجود همه مشکلات توان را دیده‌ام و هیچ‌گاه امید به ر از دست ندادام و از این ز پشیمان نیستم اما شرایط بر صنعت متأسفانه آن حس یینی را در من رو به تحلیل ری که امیدوارم چنین نگردد صنعت نساجی در سالی که ه شود» حال این صنعت چگونه ها با وجود تفاوت در تجربه‌ها یک نکته مشترکند: استمرار اما نی. صنعتی که همچنان به حرکت ما نه با اطمینان به آینده‌ای با دغدغهای فزاینده نسبت به

تداوم این مسیر

صنعت نساجی ایران به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و بومی‌ترین صنایع کشور همواره نقشی فراتر از یک فعالیت اقتصادی داشته است. این صنعت به واسطه پیوند مستقیم با نیازهای اولیه انسان از نخستین روزهای زندگی تا پایان آن حضوری دائمی

امسال با اتکاء همیشگی و اصل کار صادقانه و گروهی، هشتادمین بهار زندگیم را پشت سر می‌گذارم و از این سالیان نسبتاً طولانی، ۶۰ سال آن را در کف کارخانجات - از عمق معادن زغال سنگ تا کارخانجات گوناگون نساجی - گذرانده‌ام، همواره و همیشه با اعتقاد به توانایی‌های زنان و مردان پاك‌نهاد این

در زندگی جامعه دارد و همین ویژگی آن را در زمره صنایعی با تقاضای ذاتی و پایدار قرار داده است. افزون بر این، ساختار این صنعت که عمدتاً بر پایه فعالیت بخش خصوصی شکل گرفته و بیش از ۹۸ درصد آن در اختیار این بخش است، موجب شده که در طول سالیان مختلف از انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری قابل توجهی برخوردار باشد

با این حال سالی که گذشت، پیش از آن‌که سال توسعه باشد سالی برای بقا بود. بقای که بیش از هر چیز بر دوش فعالان این صنعت و تجربه انباشته آنها استوار بوده است. بسیاری از واحدهای تولیدی نه با هدف توسعه ظرفیت بلکه با هدف حفظ وضع موجود و جلوگیری از توقف فعالیت به کار خود ادامه داده‌اند؛ وضعیتی که خود نشان دهنده عمق چالش‌های پیش روی این صنعت است

یکی از مهم‌ترین مسائل قابل مشاهده در سال گذشته، کاهش تقاضای موثر در بازار داخلی بوده است. اگرچه محصولات نساجی در زمره کالاهای ضروری قرار می‌گیرند اما کاهش قدرت خرید خانوارها در نتیجه تورم‌های مستمر موجب شده که حتی در این حوزه نیز الگوی مصرف دستخوش تغییر شود. کاهش خرید، جایگزینی کالاهای باکیفیت‌تر با محصولات ارزان‌تر و به تعویق انداختن مصرف از جمله نشانه‌های این وضعیت است. پیامد مستقیم این شرایط انباشت کالا در انبار واحدهای تولیدی است انباشتی که جریان نقدینگی را مختل می‌کند و توان ادامه فعالیت را تحت فشار قرار می‌دهد در چنین شرایطی صادرات می‌توانست به‌عنوان راهکاری برای جبران رکود بازار داخلی مطرح باشد اما واقعیت‌های حاکم بر تجارت خارجی این مسیر را نیز با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته است.

تحریم‌های اقتصادی، محدودیت در روابط بانکی، مشکلات نقل و انتقال مالی و افزایش هزینه‌های مبادلاتی عملاً امکان حضور پایدار در بازارهای بین‌المللی را برای بسیاری از تولیدکنندگان کاهش داده است در نتیجه

همراه داشته باشد. با این حال در دل این نگرانی‌ها نمی‌توان از ظرفیت‌های قابل توجه این صنعت چشم‌پوشی کرد. صنعت نساجی ایران صنعتی ریشه‌دار، بومی و متکی بر تجربه و دانش فعالان خود است. پراکندگی جغرافیایی آن امکان توسعه منطقه‌ای را فراهم کرده و نیاز مستمر جامعه به محصولات آن همچنان یک بازار بالقوه پایدار را تضمین می‌کند. همچنین حضور گسترده بخش خصوصی که بیش از ۹۸ درصد این صنعت را در برمی‌گیرد؛ مهمترین عامل ماندگاری آن در شرایط دشوار اقتصادی بوده است. شاید بتوان گفت صنعت نساجی ایران امروز بیش از هر زمان دیگری در نقطه‌ای قرار گرفته که میان «ادامه مسیر» و «فرسایش تدریجی» در نوسان است.

این صنعت هنوز زنده است، هنوز به تولید ادامه می‌دهد و هنوز اشتغال‌زا است اما ادامه این وضعیت بدون اصلاح در شرایط محیطی و سیاست‌گذاری با عدم قطعیت همراه خواهد بود. آنچه امروز بیش از هر چیز احساس می‌شود، ضرورت نگاهی دقیق‌تر و مسئولانه‌تر به این صنعت است. نگاهی که آن را صرفاً به‌عنوان یک بخش تولیدی نبیند بلکه نقش آن را در اشتغال، ثبات اجتماعی و اقتصاد ملی در نظر گیرد. بیم آن می‌رود که صنعتی با چنین پیشینه‌ای به تدریج بخشی از ظرفیت‌های خود را از دست بدهد نه به دلیل فقدان توان بلکه به دلیل انباشت مسائلی که مجال نفس کشیدن را از آن سلب کرده‌اند

«سال‌ها می‌گذرند

و تو در قرن خودت می‌خوابی

هیچ پروازی نیست برساند ما را

به قطار دو هزار

و به قرن دگران

مگر انگیزه و عشق

مگر اندیشه و علم

مگر آئینه و صلح

و تقلا و تقلا و تلاش...»

صنعتگری کوچک در خیل صنعتگران بزرگ کشور

از سوی دیگر قطعی‌های مکرر برق و گاز به ویژه در دوره‌های اوج مصرف به یکی از عوامل مختل‌کننده فرایند تولید تبدیل شده است. توقف‌های ناخواسته خطوط تولید، افزایش ضایعات و کاهش بهره‌وری بخشی از پیامدهای این مسأله است که در نهایت هزینه‌های مضاعفی را به تولیدکنندگان تحمیل می‌کند. در کنار تمامی این چالش‌ها باید به این نکته نیز توجه داشت که صنعت نساجی در مقایسه با بسیاری از صنایع دیگر نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه کمتری است و همین ویژگی آن را به بستری مناسب برای توسعه کارآفرینی تبدیل کرده است. فراموش نکنیم که صنعت نساجی پلکان ترقی بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته امروز جهان بوده و همچنان نیز می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند مشروط بر آنکه زمینه‌های لازم برای رشد آن فراهم شود

در کنار این چالش‌ها محیط مقرراتی نیز در بسیاری از موارد به جای تسهیل فعالیت اقتصادی به پیچیدگی آن افزوده است. وجود قوانینی که بدون توجه کافی به شرایط واقعی تولید تدوین یا اجرا می‌شوند از جمله در حوزه مشاغل سخت و زیان‌آور، محدودیت‌های ناشی از قانون ذی‌نفع واحد و اعمال برخی مقررات به صورت عطف به ماسبق موجب افزایش نااطمینانی در فضای کسب و کار شده است؛ در چنین شرایطی امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای فعالان این صنعت به شدت محدود می‌شود

مجموع این عوامل در سال گذشته بسیاری از واحدهای نساجی را در وضعیتی قرار داده که ادامه فعالیت آن بیش از آن که مبتنی بر سودآوری باشد، مبتنی بر جلوگیری از توقف کامل تولید است. این وضعیت خطر تعطیلی تدریجی واحدها را به همراه دارد؛ خطری که در صورت تحقق به بیکاری گسترده نیروی کار منجر خواهد شد.

با توجه به ماهیت کارگر بری این صنعت چنین روندی می‌تواند پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی قابل توجهی به

تولیدکننده‌ای که با کاهش تقاضای داخلی مواجه است در بسیاری از موارد امکان جبران آن از طریق صادرات را نیز در اختیار ندارد در کنار این مسائل، مشکلات ساختاری صنعت همچنان پابرجاست.

فرسودگی ماشین‌آلات و عقب ماندگی فناوری یکی از چالش‌های اساسی این حوزه به شمار می‌رود. استفاده از تجهیزات قدیمی علاوه بر افزایش هزینه‌های تولید و مصرف انرژی بر کیفیت محصولات نیز تأثیرگذار بوده و افزایش هزینه‌های مبادلاتی، عملاً امکان حضور پایدار در بازارهای بین‌المللی را برای بسیاری از تولیدکنندگان کاهش داده است در نتیجه تولیدکننده‌ای که با کاهش تقاضای داخلی مواجه است در بسیاری از موارد امکان جبران آن از طریق صادرات را نیز در اختیار ندارد در کنار این مسائل، مشکلات ساختاری صنعت همچنان پابرجاست. فرسودگی ماشین‌آلات و عقب ماندگی یکی از چالش‌های اساسی این حوزه به شمار می‌رود. استفاده از تجهیزات قدیمی علاوه بر افزایش هزینه‌های تولید و مصرف انرژی بر کیفیت محصولات نیز تأثیرگذار بوده و قدرت رقابت‌پذیری را کاهش داده است. نوسازی این تجهیزات نیازمند دسترسی به منابع مالی و ارزی است، امری که در شرایط کنونی با محدودیت‌های جدی مواجه بوده و روند به روزرسانی فناوری را کند کرده است. در کنار این موارد قوانین و دستورالعمل‌های مشکل آفرین و در مواردی ضد تولید نیز بر پیچیدگی شرایط افزوده‌اند و فضای فعالیت را برای تولیدکنندگان دشوارتر ساخته است

تأمین مواد اولیه نیز از دیگر دغدغه‌های مهم فعالان این صنعت است. وابستگی به واردات بخشی از مواد اولیه به ویژه در حوزه الیاف مصنوعی و مواد شیمیایی موجب شده نوسانات ارزی و محدودیت‌های تجاری مستقیماً بر هزینه‌های تولید اثرگذار باشد

این وضعیت امکان برنامه‌ریزی پایدار را برای واحدهای تولیدی کاهش داده و آنها را در معرض عدم قطعیت مستمر قرار داده است